

زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال سوم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۵

پی‌بست‌ها و پیش‌بست‌های ضمیری در گویش ابوزیدآبادی

دکتر سید طیب رزاقی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۵

چکیده

پی‌بست‌ها و پیش‌بست‌های ضمیری، صرف‌نظر از جایگاه، نقش‌های مختلف نحوی دارند. در گویش ابوزیدآبادی سه ضمیر پی‌بستی و یک ضمیر پیش‌بستی وجود دارند. پی‌بست‌های فاعلی، مانند فارسی، در پایان اغلب نمودهای فعلی، به‌جز ماضی متعدی ظاهر می‌شوند ولی برخلاف فارسی در ماضی متعدی نقش پی‌بست مفعولی و متممی دارند. افزون‌براین می‌توانند بیانگر شمار مفرد و جمع، و به‌ویژه در سوم شخص مفرد، بیانگر جنس دستوری مفعول نیز باشند. گروه دیگر پی‌بست‌های شخصی‌اند که به‌جز ملکیت در فعل‌های ماضی متعدی، به غیر از استمراری، عامل‌اند. این پی‌بست‌ها می‌توانند میزبان اکثر واژه‌های جمله باشند. گروه چهارم پیش‌بست‌هایی هستند که در فعل ماضی استمراری متعدی، کننده کار و در مضارع اخباری و التزامی متعدی در نقش مفعولی ظاهر می‌شوند، در نتیجه، غالب جمله‌هایی که در آنها از فعل متعدی استفاده می‌شود دو مفعولی هستند و براساس ساختار ارگتیو، مفعول در شمار و جنس با فعل مطابقت دارد. پی‌بست‌ها نقش عمده‌ای در آشکار ساختن واژه یا همخوان پایانی حذف شده دارند.

واژگان کلیدی: پی‌بست‌ها و پیش‌بست‌های ضمیری، گویش ابوزیدآبادی، ناحیه مرکزی ایران

✉ tayyeb333@yahoo.com

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان کلان، ایران

۱- مقدمه

ابوزیدآبادی از گویش‌های رایج در ناحیه مرکزی ایران است و گویشوران آن را ziyu di (زبان ده)^(۱) یا ziyu xumu (زبان خودمان) می‌نامند. این گویش در بخش کویرات، به مرکزیت شهر ابوزیدآباد، رایج است و اطلاق این نام بر گویش، صرفاً به دلیل تمرکز جمعیت بیشتر در ابوزیدآباد است. بخش کویرات، به جز ابوزیدآباد، نه روستا دارد که اغلب به ابوزیدآبادی سخن می‌رانند. بخش کویرات، جزء شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان است. شهر ابوزیدآباد براساس سرشماری ۱۳۹۰ ش، ۵۵۵۹ نفر جمعیت دارد (درگاه ملی آمار).

از ویژگی‌های ابوزیدآبادی، وجود جنس دستوری، ساخت ارگتیو، کاربرد گسترده پیشوندهای اشتقاقی و انواع نقش‌نماها، دستگاه فعلی گسترده، و کاربرد چهار گونه پی‌بست و پیش‌بست ضمیری است. نگارنده، که خود گویشور ابوزیدآبادی است، براساس اطلاعات گویشی، تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای، موضوع را توصیف و تحلیل کرده است. مقاله چهار بخش اصلی و چند بخش فرعی دارد. از آنجا که در این گویش پی‌بست‌های ضمیری، صرف‌نظر از شکل ظاهری، غالباً در کارکرد نحوی و جایگاه با فارسی تفاوت اساسی دارد در مقاله نقش‌های نحوی بدین شکل نشان داده خواهد شد: فاعل (۱)؛ مفعول مستقیم: (۲)؛ مفعول غیرمستقیم: (۳)؛ ملکیت (۴).

۲- پیشینه تحقیق

ظاهراً اولین بار لکوک^۱ (۱۳۵۳) درباره ابوزیدآبادی تحقیق کرده و آن را به چاپ رسانده است. وی به شمارش ضمائر شخصی پیوسته و آزاد و انواع شناسه‌های فعلی اکتفا کرده و گاه به عملکرد نحوی آنها پرداخته است. البته به گفته گویشوران، بیلی^۲ پیش از لکوک در ابوزیدآباد تحقیق کرده ولی به پژوهش وی دست نیافته‌ایم. یارشاطر (۱۹۸۵) اشاره مختصری به گویش ابوزیدآباد و کاربرد ارگتیو، جنس دستوری و تأثیر آن دارد. او به پی‌بست‌های ضمیری اشاره نکرده است. مزرعتی (۱۳۸۰) نکته تازه‌ای درباره موضوع ندارد. سرافرازی (۱۳۹۱) شناسه‌های فعل‌های لازم و متعدی را، هرچند نارسا، برشمرده است. رزاقی در تحقیقی (۱۳۹۳) به گزارش و تحلیل برخی از نکات عمده زبانی و انواع شناسه‌های فعلی و جایگاه گوناگون آنها پرداخته و در پژوهش‌هایی (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) دستور زبان گویش ابوزیدآبادی را نیز منتشر کرده است.

1. Lecoq
2. W.H.Baiyly

۳ - پی‌بست‌ها و پیش‌بست‌های ضمیری

در ابوزیدآبادی چهار نوع ضمیر پیوسته، با جایگاه و عملکرد نحوی متفاوت دیده می‌شود. کاربرد و جایگاه هر یک از این ضمائر، مربوط به زمان، نمود، لازم و متعدی بودن، ساختمان فعل و حتی بافت آوایی واژه است.

پی‌بست‌های فاعلی مانند معادل‌های خود در فارسی، در پایان فعل ظاهر می‌شوند، مانند «i-» در فعل eš-i (می‌روی). این پی‌بست‌ها به جز سوم شخص مفرد ماضی لازم که برای تذکیر و تأنیث شکل‌های جداگانه‌ای دارند، در فعل‌های ماضی متعدی می‌توانند نمودار مفعول مستقیم یا غیرمستقیم نیز باشند، مانند پی‌بست i- مفعولی در ساخت bē-šūd-i (بردت).

ضمائر فاعلی فعل‌های ماضی متعدی، برخلاف فارسی، ضمائر پیوسته شخصی‌اند که به صورت میان‌بست، یعنی بعد از پیشوند و قبل از ماده فعل ظاهر می‌شوند و در ساختار جمله می‌توانند اغلب واژه‌ها را هسته خود قرار دهند. جز اینها، ابوزیدآبادی ضمیری دارد که به شکل پیش‌بست در آغاز فعل‌های ماضی استمراری متعدی، در نقش فاعلی، و در فعل‌های مضارع اخباری و التزامی، در نقش مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم) ظاهر می‌شوند.

صرف نظر از شکل و جایگاه و عملکردهای نحوی ضمائر پیوسته، حضور آنها باعث فرایندهای آوایی متعددی می‌شود. برای نمونه واکه و همخوان واژگان زیادی را که حذف شده‌اند، آشکار می‌سازند. مانند sang-am (سنگم)؛ vāng-a hākā (خالی کردی). در این دو نمونه، اصل واژه و جزء وصفی فعل مرکب به ترتیب say (سنگ) و vay (خالی) است که پی‌بست شخصی am- در نقش ضمیر ملکی «سنگ» و پی‌بست شخصی فاعلی a- (ت) در «خالی کردی» موجب ابدال y به ng جزء ساخت اصلی واژه شده‌است. این موضوع هرچند عمومیت ندارد، اما از آنجاکه می‌تواند ما را به اصل واژه رهنمون سازد، در بررسی‌های تطبیقی - تاریخی زبان فارسی اهمیت دارد.

وجود جنس دستوری منجر به نمود پی‌بست‌های فاعلی و جنسی خاصی می‌شود که در فعل‌های لازم دو جنس مذکر و مؤنث را متمایز می‌کند. این پی‌بست‌ها که جایگاه آنها معمولاً در پایان فعل است، در سوم شخص مفرد فعل‌های ماضی متعدی نمایانگر جنس و شمار مفرد مفعول مستقیم و غیرمستقیم هستند.

۳ - ۱- پی‌بست‌های فاعلی

پی‌بست‌های فاعلی که در فارسی شناسه‌ها یا ضمائر پیوسته فاعلی نیز خوانده می‌شوند، در ابوزیدآبادی نیز مانند برابره‌های خود در فارسی عمل می‌کنند و در پایان فعل قرار می‌گیرند. در

ابوزیدآبادی، پی‌بست‌های فاعلی در اغلب ساخت‌های ماضی متعدی می‌توانند نمودار مفعول نیز باشند (نک. پی‌بست‌های مفعولی). پی‌بست‌های فاعلی ابوزیدآبادی به شرح زیر است:

جدول (۱): پی‌بست‌های فاعلی ابوزیدآبادی

مفرد	جمع
-u مَ	-im -یم
-i یَ	-īya -ید
-i دَ	-an -ند

پی‌بست‌های دوم و سوم شخص فاعلی یکسان‌اند و فاعل براساس ساخت جمله و تطابق فعل با فاعل یا مفعول مشخص می‌شود. پی‌بست‌های فاعلی، مثل فارسی در پایان فعل قرار می‌گیرند و در فعل‌های مضارع اخباری و التزامی لازم و متعدی و مستقبل لازم و متعدی و فعل‌های مجهول به کار می‌روند. مثال:

مفرد	جمع
əvīn-u, bayn-u (می‌بینم، ببینم)	əvīn-im, bayn-im (می‌بینیم، ببینیم)
əvīn-i, bayn-i (می‌بینی، ببیند)	əvīn-īya, bayn-īya (می‌بینید، ببینید)
əvīn-i, bayn-i (می‌بیند، ببیند)	əvīn-an, bayn-an (می‌بینند، ببینند)

در دوم شخص جمع مستقبل لازم و متعدی، پی‌بست شخصی وظیفه پی‌بست فاعلی را انجام می‌دهد: *kəmi-du xä* (خواهید خورد).

پی‌بست‌های فاعلی انواع فعل‌های ماضی لازم نیز همین‌اند جزاینکه پی‌بست فاعلی سوم شخص مفرد ماضی ساده لازم، و فعل‌های ماضی لازمی که در ساخت آنها از صفت مفعولی استفاده می‌شود، در تذکیر و تأنیث تمایز دارد. این تمایز در سوم شخص مفرد ماضی ساده با پی‌بست پایانی *-ə* (برای مذکر) و *-e* (برای مؤنث) نشان داده می‌شود، اما در فعل‌های ترکیبی افزون‌بر دو نشانه یاد شده، و شکل‌های دیگر پی‌بست‌های پایانی، نمودار جنس دستوری، و تذکیر و تأنیث صفت مفعولی به ترتیب با دو پی‌بست پایانی *-ə* و *-e* مشخص می‌شود و در نتیجه جنسیت اغلب فعل‌های ترکیبی ماضی، در صفت مفعولی و پی‌بست‌های پایانی مشخص می‌شود. همین پی‌بست‌ها در فعل‌های ماضی متعدی، معمولاً بیانگر جنس دستوری و شمار مفعول مستقیم و غیرمستقیم هستند. پی‌بست‌های شخصی جمع ماضی ساده، در فعل‌های لازم هیچ فرقی نمی‌کنند و همان پی‌بست‌های فاعلی‌اند، ولی در اشخاص جمع فعل‌های ترکیبی

ماضی پی‌بست e- صفت مفعولی بیانگر شمار جمع فاعل است: bũšd-e bəd-an (رفته بودند). در این فعل، پی‌بست e- در ماده ماضی (b-)üšd بیانگر شمار جمع و پی‌بست an- که به ماده ماضی فعل کمکی bəd (بود) اضافه شده، فاعلی است.

از آنجاکه شناخت پی‌بست‌های فاعلی و نیز پی‌بست‌های جنسیت، از نظر جنس فاعل، مرتبط با هم هستند، لذا با چند مثال به بررسی آنها می‌پردازیم.

پیشتر گفته شد که پی‌بست‌های نمودار جنسیت فاعل، در سوم شخص مفرد شکل‌های جداگانه‌ای دارد. این تمایز معمولاً با نشانه‌های ä-، -ā، Ø (مذکر) و -a، -e، -yä و -uwä (مؤنث) مشخص می‌شود:

مفرد	جمع
ederezuw-u (می‌دویدم)	ederezuw-im (می‌دویدیم)
ederezuw-i (می‌دویدی)	ederezuw-īya (می‌دویدید)
ederez-ā (می‌دوید) مذکر	ederezuw-an (می‌دویدند)
ederezuw-a (می‌دوید) مؤنث	

در جدول بالا پی‌بست‌های فاعلی مفرد u- و i- و پی‌بست‌های اشخاص جمع برای هر دو جنس یکسان و در پایان فعل قرار گرفته‌اند. در سوم شخص مفرد پی‌بست ā- و e- با حفظ جایگاه، جنسیت را مشخص کرده‌است. چند مثال برای ساخت‌های دیگر:

bätät (دوید؛ مذکر)؛ پی‌بست جنسیت فاعلی این ساخت خنثی (Ø) است و شکل مؤنث آن bätät-a با پی‌بست پایانی a- همراه است. bäm-d-ä (آمده‌است؛ مذکر) bäm-d-e yä (آمده‌است؛ مؤنث)؛ پی‌بست‌های فاعلی که به ماده ماضی ämd اضافه شده‌اند با دو شکل ä- و yä⁽³⁾- تذکیر و تأنیث، به اضافه پی‌بست پایانی e- صفت مفعولی را متمایز کرده‌اند.

در ابوزیدآبادی ساخت‌هایی به کار می‌رود که ظاهراً دو پی‌بست فاعلی دارند. این دو شناسگی بیشتر در اول شخص جمع مضارع اخباری و التزامی لازم و متعدی دیده می‌شود. مانند bəš-im- īya (برویم؛ ما و شما برویم).

۳-۲- پی‌بست‌های فاعلی - مفعولی

پی‌بست‌های فاعلی - مفعولی به پی‌بست‌هایی می‌گوییم که اگرچه مشابه پی‌بست‌های فاعلی‌اند و در پایان فعل قرار می‌گیرند ولی عملکرد آنها مانند پی‌بست‌های مفعولی است. همچنین در سوم شخص مفرد، شمار مفرد و جنس مفعول و در سوم شخص جمع، شمار جمع مفعول را

نشان می‌دهند. این پی‌بست‌ها معمولاً در فعل‌های ماضی متعدی به کار می‌روند. فاعل این گونه ساخت‌ها معمولاً پی‌بست‌های شخصی‌اند. تعدادی از این پی‌بست‌ها در نمونه‌های زیر آمده‌اند:

- (1) b(e)-ē-(1)kōšt-u(2) کشتم (مرا کشت)
- (2) b(e)-ē-(1)kōšt-i(2) کشتت (تو را کشت)
- (3) b(e)-ē-(1) kōšt(t)(2) کشتش (او را کشت؛ مذکر)
- (4) b(e)-ē-(1)kōšt-a(2) کشتش (او را کشت؛ مؤنث)
- (5) bā-yu-(1)kōšt-e bād-im(2) کشته بودندمان
- (6) bā-yu-(1)kōšt-e bād-ia(2) کشته بودندتان
- (7) bā-yu-(1)kōšt-e bād-an(2) کشته بودندشان

در چهار مثال اول واژه *e* از جزء پیشین «*be-*» بر اثر فرایند آوایی حذف می‌شود. پی‌بست *e* در همین اشخاص به میزبانی *be-*، فاعل و *kōšt* = کشت، ماده ماضی است. در اشخاص جمع نیز پی‌بست شخصی *-yu* (آنها) فاعل و پی‌بست *e* که به ماده ماضی *kōšt* اضافه شده است نمودار شمار جمع مفعول است. پی‌بست‌های پایانی *-u* (مَم)، *-i* (ی)، \emptyset (ش: مذکر)، *-a* (ش: مؤنث) و *im* (مان)، *-ia* (تان)، *-an* (شان) به ظاهر فاعلی‌اند ولی عملکرد مفعولی دارند. پی‌بست‌های فاعلی (عامل) این گونه ساخت‌ها در ساختار جمله شناور است و اغلب واژگان می‌توانند میزبان باشند. همچنین هرگاه جمله صاحب مفعول حقیقی باشد این پی‌بست‌ها مفعول دوم به شمار می‌روند و در نتیجه دو مفعولی خواهند بود:

شغال مرغ‌ها را برد. (2) bā-šūd-an(1) bā-ye(2) kārgeje(1) saktürä(8)

در جمله بالا «شغال» فاعل و «مرغ» مفعول معنایی است. پی‌بست فاعلی *e* به *-ye* (شکل دیگری از *e*) تغییر یافته و به مفعول اضافه شده است. به تعبیر دیگر، مفعول جمع (مرغ‌ها) حالت فاعلی پیدا کرده و فعل برخلاف فاعل ظاهری آن که «شغال» (مفرد) است، از نظر شمار با پذیرش *-an* (ند: شان) با مفعول جمع («مرغ‌ها») مطابقت پیدا کرده است.

۳-۳ پی‌بست‌های فاعلی - مفعولی غیر مستقیم (متممی)

این پی‌بست‌ها نیز همانند پی‌بست فاعلی - مفعولی مستقیم، با اینکه در پایان فعل (ماضی متعدی) قرار می‌گیرند و به ظاهر فاعلی می‌نمایند، عملاً متممی هستند و در شمار و جنس با فعل مطابقت می‌کنند. در ابوزیدآبادی، معمولاً نقش‌نماها یا حروف اضافه پُرسامدی مانند «*pi*» (از، به) و «*hey* (به)، میزبان پی‌بست ضمیری متممی می‌شوند:

- (9) pi-dun(3)-am(1) vot-e bəd-īya(3) بهتان (به شما) گفته بودم.
 (10) pi-ye(3) b(e)-am(1) rīd-e bəd-a(2) ازش (از او) خریده بودمش (مونث).
 (11) pi-ye(1) vest-ä bəd- i(3) بهش (به او؛ مذکر) زده بود.
 (12) hey-am(1) nə-duw-e-yi(3) بهت ندادمت (مونث).

در مثال (۹)، *-dun* پی‌بست شخصی متممی، و میزبان آن *pi* است. عامل (فاعل معنایی) آن پی‌بست شخصی *-am* است که به متمم اضافه شده. پی‌بست *-īya* پایانی در فعل کمکی *bəd* به ظاهر فاعلی، ولی متمم دوم است.

در مثال (۱۰)، *pi* نقش نما، *-ye* پی‌بست شخصی متممی است و *-am* (عامل) پی‌بست فاعلی است که جزء پیشین *be-* (تأکید) را میزبان قرار داده است و *rīd* ماده ماضی آن است. پی‌بست شخصی *-e* که به ماده ماضی اضافه شده و پی‌بست پایانی *-a* در فعل کمکی *bəd* نمودار شمار مفرد و جنس مؤنث مفعول مستقیم ناشناخته است و در نتیجه مثال (۱۰) یک مفعول غیرمستقیم (*-ye*: ش) و یک مفعول مستقیم (*-e* یا *-a*) دارد.

در مثال (۱۱)، پی‌بست سوم شخص مفرد *-ye* فاعلی به نظر می‌رسد. به درستی معلوم نیست چرا در این ساخت پس از حرف اضافه *piy*، که قاعدتاً باید پی‌بست متممی بیاید، پی‌بست فاعلی آمده است. *pi-ye vest-ä* (؟) بهش (به او؛ مذکر) زده است. پی‌بست *-ä* که ماده ماضی زدن (*vest*) را میزبان قرار داده، نمودار جنس مذکر متمم، و پی‌بست پایانی فاعلی *-i* (ت) که به فعل معین *bəd* (بود) اضافه شده، متمم است و این جمله دو متمم دارد.

در مثال (۱۲)، پی‌بست شخصی *-am* فاعل فعل *hāduwä* است که حرف اضافه «*hey*» را میزبان قرار داده است. *nə-* پیش‌بست منفی‌ساز است که بر سر ماده ماضی *duw* (داد) درآمده و پی‌بست *-e* در همین ساخت نمایانگر جنس مؤنث متمم و *-yi* شکل دیگری از *-i* (ای = ت) است که در نقش متمم ظاهر شده است.

۴ - پی‌بست‌های شخصی

ضمایر شخصی در ابوزیدآبادی، مشابه برابره‌های خود در فارسی، به دو شکل آزاد و پی‌بستی به کار می‌روند. ضمایر آزاد عبارت‌اند از: *ma/e(n)* (من)، *te* (تو)، *nä* (او، آن؛ مذکر)، *nün* (او، آن؛ مؤنث)، *hämä* (ما)، *šämä* (شما)، *nənü/nun* (آنها، ایشان). این ضمایر می‌توانند نقش‌های فاعلی و اضافی و مفعولی داشته باشند. ضمیر آزاد سوم شخص مفرد مذکر و ضمیر مفرد اشاره به دور، یکسان‌اند. ضمایر سوم شخص مفرد و جمع آزاد، در جنس دستوری، تمایز دارند. فعل

سوم شخص مفرد ماضی لازم و متعدی با ضمیر آزاد مذکر یا مؤنث فاعلی یا مفعولی در جنس دستوری مطابقت می‌کند.

پی‌بست‌های شخصی، شکل‌های دیگر ضمائر ابوزیدآبادی‌اند. این پی‌بست‌ها در اشخاص سه‌گانه مفرد، مانند گویش مزینانی (نک. مزینانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۷) باتوجه به بافت آوایی واژه تکواژگونه‌های متفاوتی دارند. کاربرد تکواژگونه‌های ضمائر پی‌بستی مفرد، متکی به بافت و با یکدیگر در توزیع تکمیلی‌اند، به طوری که به جای هم به کار نمی‌روند. برای مثال، پی‌بست (سوم شخص مفرد) که به واژه *gəɫune* (گوساله) اضافه می‌شود، *-ye* است: *gəɫune-ye* (گوساله‌اش)؛ زیرا این واژه مختوم به واکه است و نیاز به صامت میانجی دارد. به نظر می‌رسد اشکال مختلف پی‌بست‌های مفرد مربوط به واکه پایانی واژه است. مثلاً هرگاه واژه‌ای مختوم به همخوان باشد پی‌بست اول شخص مفرد آن *-am* است نه *-m*؛ مانند: *däs* (دست)، *däs-am* (دستم). هرگاه مختوم به *-ä* باشد، پی‌بست آن *-d* است: *kiyə-d* (خانه)، *kiyə-d* (خانه‌ات) و اشکال مختلف ضمائر شخصی پی‌بستی در این گویش^(۴) بدین شرح است (لکوک، ۱۳۵۳: ۲۲۲):

جدول (۲): پی‌بست‌های شخصی

جمع	مفرد
-mu (n)	-am, m, yam, wam
-du (n)	-a, d, ya, wa
-yu (n)	-e, ye, we

با ملاحظه تکواژگونه‌های جمع در جدول فوق می‌توان دریافت که قاعده حذف *n* پایانی در خود این ضمائر عمل کرده‌است، اما هرگاه این پی‌بست‌ها میزبان پی‌بست یا واژه دیگری باشند *n*/ اصلی ظاهر می‌شود: *nu-mun* در جمله *nu-mun (4)-a hägərä* (نامان را گرفتی). از مهم‌ترین نقش‌های پی‌بست‌های شخصی آشکار کردن واکه یا همخوان محذوف در واژه‌هایی است که دچار فرایند آوایی حذف‌اند^(۵). البته جز حذف، باعث فرایندهای آوایی دیگری همچون اضافه، تضعیف، همگونی و ... نیز می‌شوند. متقابلاً، اشکال گوناگون پی‌بست‌ها، به‌ویژه در شکل مفرد نیز می‌تواند نتیجه بافت آوایی واژه‌ها باشد.

۴-۱- جایگاه پی‌بست‌های شخصی

ضمائر شخصی پیوسته در ابوزیدآبادی همان وظایف متناظرشان را در فارسی انجام می‌دهند. به‌علاوه آنها نایب فاعل فعل‌های ماضی متعدی هستند، خواه به واژه‌ای از جمله پیوسته باشند، یا مانند میانوند در ساختار فعل ظاهر شده باشند. آنها ظاهراً فقط به دو فعل پیوسته می‌شوند (لکوک،

۱۳۵۳: ۲۲۲) و مانند پی‌بست‌های فاعلی در پایان فعل می‌آیند: dārd-am (داشتم)، zunuw-a^(۶) (می‌دانستی). به‌جز این دو فعل، جایگاه پی‌بست‌های شخصی در ساختار فعل‌های ماضی متعدی (جز استمراری) پس از پیشوند و قبل از ماده فعلی است. البته در ابوزیدآبادی به‌ندرت فعل ساده دیده می‌شود، اغلب فعل‌های فارسی ساده امروزی، در ابوزیدآبادی پیشوندی‌اند. پُرکاربردترین پیشوندها (به‌جز پیشوندهای صرفی) عبارت‌اند از: ār-، hā-، be.

در فعل‌های مرکب متعدی و لازم، پی‌بست شخصی (فاعلی) قبل از فعل معین و پس از جزء اسمی و یا وصفی فعل می‌آید: jay-mu(1) bəkā(rd) (جنگ کردیم)، šāb-du(1) bə-kārdā (درست کرده‌اید). همخوان آغازی hā- و be- در فعل‌های مرکب معمولاً حذف می‌شود. به‌جز ساخت فعل، جای این پی‌بست‌ها، به‌عنوان یکی از ارکان نحوی، در سطح جمله مشخص نیست و اکثر واژه‌ها می‌توانند میزبان آن باشند.

در ابوزیدآبادی، اسم (۱۳)، ضمیر آزاد (۱۴)، قید (۱۵)، تکواژ نفی (۱۶)، برخی کلمات پرسشی (۱۷)، پیشوندها، به‌ویژه اشتقاقی (۱۸)، جزء اسمی یا وصفی فعل‌های مرکب متعدی (۱۹) یا لازم (۲۰)، گروه اسمی (۲۱)، گروه مفعولی (۲۲ و ۲۷)، گروه متممی (فعلی یا قیدی) با حرف اضافه (۲۳ و ۲۴) و گروه اضافی (۲۵ و ۲۶) می‌توانند میزبان پی‌بست‌های شخصی در نقش ملکی، اضافی و فاعلی باشند.

(13) lang-a ⁽⁷⁾ (4)	پایت
(14) men-ē(1) b(ə)ay šūd	مرا باید ببرد.
(15) hiyā(3) du(4) rā čāq-ā	برای فردایتان خوب است.
(16) n(e)-ē(2) šū bayn-i(1)	نبرش ببیند.
(17) kiyā-da (1)/ kīv-a ⁽⁸⁾ (1) bəddā bā	کجا را دیده بودی؟
(18) dər-ē(1) howt	درآویخت، درآویختش (مذکر).
(19) xūrd(h)ā-mu(1) kā(rd)	خرد کردیم.
(20) qəsiyun-a(1) kā(rd)	استفراغ کردی.
(21) dāsse kulay nāčā-ye(1) bāx/h mār	دسته کلنگ (مذکر) خوب را شکست.
(22) pā espe gāle həmə-ya/ād(1) zāxmī bəkā(rd)	پای سگ گله ما را زخمی کردی.
(23) xər-am(1) da dərāxt-a(4) bāste bəd-a(2)	خر [را] به درخت بسته بودمش (مؤنث).
(24) da dādā-dun(4)-am(1) səpārde bəd-a(2)	به خواهرتان سپرده بودمش (مؤنث).
(25) da busune espe-mu(1) vest-an(2)	به باغ سگ انداختیمشان. ^(۹)
(26) müy-e xār-e(1) hā kārd-an(2)	موهایش را شانه زد. ^(۱۰)
(27) dās ita-du(1) bəgərā(t)	دست کسی را گرفتید؟

در (۱۳) lay میزبان پی‌بست دوم شخص مفرد و در (۱۴) پی‌بست سوم شخص مفرد (فاعل) -e به ضمیر آزاد ma پیوسته است. در (۱۵) قید زمان hiyā میزبان پی‌بست دوم شخص جمع -du (اضافی) و در (۱۶) حرف نفی -ne، که گاه واکه پایانی آن با واکه آغازی پی‌بست سوم شخص مفرد (-e) دچار همگونی می‌شود، میزبان -e (مفعول مستقیم) است. ضمیر پرسشی kiyā^(۱۱) در (۱۷) میزبان پی‌بست دوم شخص مفرد و فاعل است. در (۱۸) پی‌بست شخصی (فاعل) بعد از پیشوند -dār، پس از تغییر آوایی der یا dār یا dār، و قبل از ماده ماضی howt (ماده مضارع howj) آمده است. در فعل مرکب متعددی (۱۹) پی‌بست جمع -mu پس از پیشوند و قبل از ماده ماضی kār، و در فعل مرکب لازم (۲۰) جایگاه پی‌بست مانند فعل‌های مرکب متعددی است. در (۲۱) پی‌بست -ye که به nāčā^(۱۲) اضافه شده، فاعل فعل bāhmārdā است. در (۲۲) پی‌بست دوم شخص مفرد -ya پس از آخرین اسم (ضمیر hāmā) گروه مفعولی آمده و مفعول pā است. در (۲۳) xār (مفعول) میزبان پی‌بست -am (ضمیر ملکی) است و در (۲۴) پی‌بست -am (فاعل) به گروه متممی (فعلی) da dādā-du(n) و در (۲۵) پی‌بست -mu (فاعل) به گروه متممی (قیدی) da busun-e espe اضافه شده و -e پایانی در busu(n) نقش‌نمای اضافه است. در (۲۶) پی‌بست پایانی -e در müye و xāre به ترتیب اضافی و فاعلی است. در (۲۷) ita (مضاف‌الیه) میزبان ضمیر ملکی یا پی‌بست دوم شخص جمع است؛ نیز ita هرگاه میزبان پی‌بست مفرد باشد، n اصلی آن ظاهر می‌شود: itan -am nādīd [یک‌کسی] کسی را ندیدم.

پس در فعل‌های ماضی متعددی، نه تنها از شناسه‌های فعلی یا ضمائر فاعلی استفاده نمی‌شود، بلکه جایگاه آنها نیز هیچ‌گاه پایان فعل نیست.

۴-۲- کارکردهای پی‌بست‌های شخصی

در نمونه‌ها، پی‌بست‌های شخصی در نقش‌های متفاوت نحوی، می‌توانند اغلب واژه‌های جمله را هسته قرار دهند. در ابوزیدآبادی، مانند گویش همجوار-آرانی و بیدگلی-افعال متعددی ماضی، به جز استمراری، ساختی شبیه به ارگتیو دارند (راسخ مهند، ۱۳۹۱: ۱۶۴). در زمان گذشته، فعل بدون نشانه مطابقه با فاعل یا مفعول به کار می‌رود و برای نشان دادن فاعل جمله از واژه‌بست‌ها استفاده می‌شود. در ساختار جمله، فعل ماضی متعددی، شناسه (به معنای پسوند) ندارد و عامل فقط از طریق واژه‌بست‌ها آشکار می‌شود (همان‌جا). این واژه‌بست‌ها، پی‌بست‌های شخصی‌اند و گفته شد که در ساخت فعل قبل از ماده ماضی و پس از پیشوند ظاهر می‌شوند.

پی‌بست‌های شخصی در فعل‌های ماضی متعدی (جز استمراری) می‌توانند در نقش‌های ضمیر ملکی (۲۳ و ۲۶) فاعل، مفعول مستقیم و متمم حروف اضافه (به‌ای، برای، بایی و ...) ظاهر شوند. حال سه نقش عمده پی‌بست‌های شخصی در چند مثال نشان داده می‌شود:

۴ - ۲ - فاعلی

پی‌بست‌های شخصی، در نقش فاعلی، ظاهراً فقط در فعل‌های ماضی متعدی (جز استمراری) دیده می‌شوند. این پی‌بست‌ها در نقش فاعلی می‌توانند در ساخت فعل (قبل از ماده فعل) یا در سطح جمله ظاهر شوند:

آوردند. b(ə)-yu-(1) vār(d) (28)

بچه‌ها کتاب را آوردند. žüre kätāb-yu(1) bəvārd-an(2) (29)

در (۲۸) پی‌بست شخصی *-yu* در نقش فاعلی، پیش از ماده ماضی *bəvārd*^(۱۳) و در (۲۹) پس از مفعول *(kätāb)* آمده‌است. پی‌بست *-an* (مفعولی) در ماده ماضی *bəvārd* نیز اگرچه به ظاهر فاعلی است ولی برخلاف فارسی نمایانگر شمار جمع مفعول (کتاب) است.

تنور را برافروخته بودم. kər-am(1) ārvərāt-e bəd-a (2) (30)

در (۳۰) نیز پی‌بست *-am* فاعلی به *ker* که مفعول است اضافه شده و *-e* پایانی ماده ماضی *ārvərāt* و *-a* پایانی در ماده ماضی *bəd* نمایانگر شمار مفرد و جنس مؤنث *ker* است.

۴ - ۴ - مفعولی

پی‌بست‌های شخصی مفعولی را در فعل‌های مضارع التزامی^(۱۴) ساده (۳۱ و ۳۷) و امر (۳۲) و نهی (۳۳) و مستقبل متعدی (۳۴) و فعل‌های پیشوندی (۳۵) و مرکب متعدی (۳۶) و لازم (۳۷) می‌توان دید. در بقیه زمان‌ها و نمودهای فعلی، پیش‌بست‌ها یا پی‌بست‌های فاعلی مفعولی، این نقش را انجام می‌دهند. به‌ندرت فعل‌هایی هستند که به پیروی از فارسی، پی‌بست مفعولی و فاعلی در جای اصلی خود قرار گیرد (۳۹). پی‌بست‌های مفعولی در فعل‌هایی که یاد شد، می‌توانند مانند پی‌بست‌های فاعلی، به انتهای گروه حرف‌اضافه‌ای (۳۸)، پیشوند صرفی یا اشتقاقی، قید، مفعول یا گروه مفعولی، جزء اسمی یا وصفی فعل مرکب، ضمیر آزاد و فعل بپیوندند. پی‌بست‌های مفعولی برخلاف فارسی، غالباً پس از پیشوند و قبل از ماده فعل ظاهر می‌شوند. پی‌بست مفعولی در فعل‌های مرکب مانند فارسی پس از جزء اسمی یا وصفی فعل می‌آیند؛ (۳۶ و ۳۷):

- (31) bə-š-a(1) b(e)-ē-(2) vun bayn-i(1) برو بیاورش ببیند.
 (32) b(e)-yu(n)(1) -xā بخورشان.
 (33) bər-ē(2) nəvunā بیرونش نیاری.
 (34) men-ey kəmin-am(2) šüd مرا هم خواهی برد.
 (35) ār-e(2) say bay čanjä hä بسنجش بین چقدر است.
 (36) šäb-yu-(2) bəkər-īya درستشان کنید.
 (37) xədə näč-a(2) hā-kər-i(1) خدا خوبت بکند.
 (38) gābi da ma-du(2) d-an(1) شاید به من بدهندتان.
 (39) dār-im(1) -yu(2) tā beg-īya(1) داریشان تا بیاید.

در (۳۱) پی‌بست سوم شخص مفرد *e*- مفعولی قبل از مادهٔ مضارع *vun* و پس از پیشوند صرفی *be-* آمده‌است. در (۳۲) پی‌بست سوم شخص جمع *-yu* مفعول است و جایگاه آن مانند (۳۱). در (۳۳) میزبان پی‌بست *e-* (مفعول) قید *bār* است که بر اثر حضور پی‌بست و همگونی آوایی به *bər* بدل شده‌است. در (۳۴) میزبان پی‌بست مفعولی *-am*، فعل معین^(۱۵) *kəmun* است که بر اثر فرایند آوایی با *kəmin* همگون شده، نیز در شماره‌های دیگر، صورت اصلی *kəmun* نمایان می‌شود: *kəmun-e šüd* (خواهم بردش). در (۳۵) پیشوند اشتقاقی *-ār* میزبان پی‌بست مفعولی *e-* است و مادهٔ فعل مضارع *say (sanj)* پس از آن ظاهر شده‌است. در فعل مرکب متعدی (۳۶) پی‌بست مفعولی *-yu* پس از جزء اسمی^(۱۶) *šāb* ظاهر شده‌است. در (۳۷) پی‌بست مفعولی *-a* پس از جزء وصفی *nāč*، قبل از همکرد فعلی *nāč (h)ā kārđā* (درمان کردن) آمده‌است. در (۳۸) پی‌بست *-du* به انتهای گروه حرف‌اضافهٔ به‌ای (*da*) اضافه شده و میزبان آن ضمیر آزاد *ma* است. در (۳۹) پی‌بست مفعولی *-yu* جایگاه خود را مشابه فارسی حفظ کرده و میزبان آن پی‌بست فاعلی *-im* و مادهٔ مضارع *dār* است.

۴ - ۵ - متممی

اکثر حروف اضافهٔ ابوزیدآبادی، صرف‌نظر از شکل و معنی، در جایگاه ظهور نیز با برابره‌های خود در فارسی متفاوت‌اند. برخی با یک شکل دو معنی دارند. حروف اضافهٔ به صورت پیشایند و پسایند به کار می‌روند. نیز متمم ممکن است به همراه دو حرف اضافهٔ پیشایند و پسایند بیایند. فقط برخی از حروف اضافهٔ ابوزیدآبادی میزبان پی‌بست‌های متممی می‌شوند: «*pi*» (به، از)، «*hey*» (به)، «*vərā*» (بای همراهی) (۱۰)، «*pi*» (با) (۵۰).

«hey» معمولاً نمودار متمم فعلی hāduwā (دادن) (۴۳)، «pi» متمم فعلی bāvātā (گفتن) (۴۴)، bārūtā (فروختن) و ... و «pi» نمودار متمم فعلی hāgərātā (گرفتن) و ... است (۴۵). برخی مانند «da» فقط میزبان اسم و ضمیر آزادند (۴۲). برخی دیگر مجازند میزبان اسم یا ضمیر آزاد باشند یا میزبان پی‌بست‌های شخصی متممی قرار گیرند (۴۰ و ۴۱).

(40) hemišā vərū-wam (3) ətāmā	همیشه بام (با من) می‌آمد.
(41) vərā ma(3) nūr-īya(1)	بام (با من) نیاید.
(42) da dās žüre hāgi	از دست بچه بگیر.
(43) pül-e hey-(e) (3)-d-īya(1) bəš-i(1)	پولش را بش (به او) بدهید، برود.
(44) pi-ye (3) vōj-īya(1) bēg-i(1)	بش (به او) بگویند بیاید.
(45) čəqū-yu(1) pi-du(3) hāgərə	چاقو را از شما گرفتند (چاقوشان ازتان گرفت).

در (۴۰) حرف اضافه «vərā» - که غالباً در معنی همراهی به کار می‌رود و ظاهراً همان «فرا» فارسی دری است - میزبان پی‌بست wam (آم) متممی اول شخص مفرد قرار گرفته است. در (۴۱) حرف اضافه یادشده میزبان ضمیر آزاد ma شده. «da» در (۴۲) میزبان اسم (dās) است. این حرف در معنی «به» نیز به کار می‌رود: da ma bərāsā به من رسید.

در دو جمله (۴۳) چهار پی‌بست با چهار نقش متفاوت به کار رفته است. pül (مفعول) میزبان پی‌بست ضمیر ملکی سوم شخص مفرد e-، حرف اضافه «hey» میزبان پی‌بست سوم شخص مفرد متممی e- است. پی‌بست سوم شخص مفرد متممی، به میزبانی hey غالباً حذف می‌شود. دو پی‌بست -īya و -i فاعلی هستند.

در (۴۴) «pi» میزبان پی‌بست سوم شخص مفرد متممی -ye است و vōjīya (be) فعل است و در نتیجه ظاهراً «pi» نمودار متمم فعلی «گفتن» (bāvātā). در (۴۵) پی‌بست -yu فاعل فعل hā-yu-gərā(t) است که مفعول (čəqū) را میزبان قرار داده است. در همین جمله «pi» نمودار متمم فعلی hāgərātā، و متمم آن -ye سوم شخص مفرد است.

در ابوزیدآبادی حرف اضافه پسین «rā» (برای) بسامد بالایی دارد؛ rā به صورت واحد، نقش‌نمای اسم یا ضمیر آزاد (متمم) است (۴۶)، اما گاه به همراه «pi» (به) پیشایند، پی‌بست‌های شخصی متممی را به شکل میان‌بست درمی‌آورد (۴۷) و در نتیجه پی‌بست، عملاً با دو حرف اضافه به کار می‌رود ولی pi...rā عملاً یک حرف به نظر می‌رسد. در ابوزیدآبادی «را» معمولاً نشانه مفعول مستقیم نیست و مفعول غالباً بی‌نشانه است.

- (46) ma(3) rā hānəvārz-īya(1) برای من نگذارید.
 (47) pi-du(n)-(3) rā bāsāj-u(1) برایتان (برای شما) بسازم.

در مثال (46) «rā» نقش‌نمای پسایند و ضمیر آزاد ma متمم است. در (47) پی‌بست دوم شخص جمع «-du» (تان)، میان‌بست‌گونه، در بین حرف اضافه pi و rā قرار گرفته و متمم است. pi در معنای «از» نمایانگر متمم فعل‌هایی مانند گرفتن، خریدن، برداشتن و ... است و در معنای «به» متمم‌نمای فعل‌هایی مانند بخشیدن، فروختن، گفتن، ساختن و ... است.

- (48) kiyä-(ä)d(4) pi-ya(2) ārīn-u(1) خانهات (را) ازت (از تو) می‌خرم.

در (48) «pi» میزبان پی‌بست متممی دوم شخص مفرد ya- است. در (48) جایگاه حرف اضافه و متمم مانند فارسی است؛ جایگاه حرف اضافه و پی‌بست شخصی متممی، در جملاتی که در ساختار آنها از فعل مرکب استفاده می‌شود، به کلی با فارسی متفاوت است. گمان می‌رود حضور پی‌بست شخصی فاعلی باعث این ناهمگونی باشد. در تعداد قابل توجهی از فعل‌های مرکب متعدی، و نیز لازم، جزء اسمی یا وصفی، میزبان پی‌بست شخصی (فاعلی) می‌شود (49) و (50):

- (49) sərāq-am(1) pi-ye(3) ārgərə⁽¹⁷⁾ (?) (t) ازش (از او) سؤال کردم.
 (50) dem-a(1) bəduwä bā pi-mu(3) حرف زده بودی بامون (با ما).

در (49) پی‌بست سوم شخص مفرد (متمم) -ye- حرف اضافه pi را میزبان قرار داده و پی‌بست اول شخص مفرد -am- فاعل فعل «(t) ārgərə-am» (گرفتم)⁽¹⁸⁾ است که جزء اسمی فعل مرکب (sərāq) را میزبان قرارداده‌است.

در (50) «pi» میزبان پی‌بست اول شخص جمع متممی -mu- است. همچنین پی‌بست -a- فاعل b(e)-a duwä bā است که جزء اسمی فعل⁽¹⁹⁾ (dam) را میزبان قرار داده‌است. بررسی چند فعل مرکب نشان می‌دهد که ظاهراً پیشوند صرفی «-be» در فعل‌های مضارع التزامی یا امری می‌تواند در نقش حرف اضافه به‌ای (pi) عمل کند؛ (51 و 52).

- (51) hiyā zang-am(3) pi bəqā⁽²⁰⁾ فردا زنگم بز (فردا زنگم به بز).
 (52) əga beg-i(1) sang-a(3) pi kəm-u(1) kă⁽²¹⁾.

اگر بیایی سنگت خواهم زد (اگر بیایی سنگت بخوام کرد).

در (51) پی‌بست -am- (متمم) به جزء اسمی فعل مرکب (zang) اضافه شده و پیشوند -be- ظاهراً در اینجا حرف اضافه هم هست. همچنین در (52) -a- به جزء اسمی فعل مرکب (sang)

پیوسته و حرف اضافهٔ pi پس از آن آمده‌است. در فعل مرکب (۵۲) pi نیز ظاهراً تغییر یافتهٔ be- است. عملکرد pi در «pivestä» نیز به همین صورت است: pi-yam vest (زدمش).
قاعدهٔ عملکرد دوگانهٔ پیشوند و حرف اضافه، عمومیت ندارد و تعدادی از فعل‌های مرکب مشمول این قاعده‌اند.

بش (به او) هم گفت نرو. (53) pi-ye- (3)ey-e(1) vā(t) nōša

انعامش را هم بش (به او) داد. (54) anum-ey-ye(4) hey-e(3) dā

در (۵۳) «pi» حرف اضافهٔ به‌ای و میزبان پی‌بست متممی سوم شخص مفرد ye- است. پسوند ey- که به متمم اضافه شده به معنی «هم» است. پی‌بست سوم شخص مفرد e- که ey- را میزبان قرار داده، فاعل فعل (be-e-vāt) است که به «pi-ye-ey» اضافه شده‌است. در (۵۴) anum مفعول است و پسوند ey- به آن اضافه شده و همین پسوند میزبان پی‌بست سوم شخص مفرد (ye-) در نقش ضمیر ملکی شده. پی‌بست e- سوم شخص مفرد متممی است و حرف اضافهٔ آن hey است.

۵ - پیش‌بست‌های ضمیری

نوع سومی از ضمائر شخصی وجود دارد که به صورت پیشوند به ساخت‌های ماضی استمراری متعدی^(۲۲) می‌پیوندد و برکنندهٔ کار دلالت می‌کند. این پیش‌بست‌ها هرگاه به فعل‌هایی مانند مضارع اخباری و التزامی تأکیدی متعدی بپیوندند نقش مفعولی (مستقیم یا غیرمستقیم) را انجام خواهند داد (لکوک، ۱۳۵۳: ۲۲۲).

به‌جز ماضی استمراری متعدی، در ساخت‌های مضارع اخباری «خواستن» نیز پیش‌بست‌ها کنندهٔ کارند: mā-yi (می‌خواهم).

جدول (۳): پیش‌بست‌های ابوزیدآبادی

مفرد	جمع
mā ⁽²³⁾	-mun
dä-	-dun
yä-	-yun

پیش‌بست‌ها و پی‌بست‌های اشخاص سه‌گانه جمع یکسان‌اند، جز اینکه همخوان پایانی n در پیش‌بست‌ها همیشه ثابت است و دچار فرایند حذف نمی‌شود.

در فعل‌های بی‌شخص نیز غالباً از پیش‌بست استفاده می‌شود: xow mā-(ə) ti- (خوابم می‌آید)، xow dun-ä-(ə)-ti (خوابتان می‌آید). پیش‌بست‌ها شکل‌های دیگری از پی‌بست‌ها هستند. آنها

در نقش ضمیر ملکی، و در جملاتی با فعل مضارع اخباری متعدی مجازند جای خود را به پی‌بست بدهند: bāl-dä/a ätāru (بیلت را می‌آورم). اما در جمله‌ای که فعل مضارع التزامی ساده یا تأکیدی است، این جابه‌جایی امکان ندارد: bāru bāl-a (بیلت را بیاورم).

۵-۱- جایگاه و کارکردهای نحوی پیش‌بست‌ها

ضمیر پیش‌بستی به ضمیری می‌گویند که پیش از ماده فعل، ماضی یا مضارع می‌آید و می‌تواند عملکردهای نحوی گوناگون داشته باشد. به نظر می‌رسد پیش‌بست‌های ضمیری افزون‌بر نقش اصلی، نقش پیشوند صرفی (می) را نیز در این ساخت‌ها داشته باشند.

جایگاه پیش‌بست در ساخت فعل‌های ماضی استمراری متعدی، در نقش فاعلی، و در مضارع اخباری و التزامی متعدی، در نقش مفعولی، غالباً ثابت است، اما پیش‌بست‌های این فعل‌ها و فعل‌های مرکب و پیشوندی (اشتقاقی)، در ساختار جمله گاه جای خود را به پی‌بست‌های شخصی می‌دهند و در نتیجه می‌توانند به هر یک از اجزای جمله بپیوندند. پیش‌بست‌ها چه در آغاز فعل بیایند و جزء ساخت آن باشند و چه در ساختار جمله به پی‌بست بدل شوند، می‌توانند نقش‌های فاعلی و مفعولی و متممی را داشته باشند. در اینجا کارکردهای گوناگون نحوی و جایگاه پیش‌بست‌ها را با مثال می‌آوریم.

۵-۲- فاعلی

نقش فاعلی پیش‌بست‌ها را در ماضی استمراری متعدی (۵۵)، ماضی نقلی (۵۶) و بعید مستمر (۵۷) و مضارع اخباری متعدی، از فعل خواستن^(۲۴) (۵۸) می‌توان دید. در فعل مرکب پیش‌بست پس از جزء اسمی یا وصفی و قبل از فعل معین می‌آید (۵۹). در فعل‌های پیشوندی (اشتقاقی) نیز جایگاه پیش‌بست پس از پیشوند است (۶۰).

(55) mä- (1)sāt می‌ساختم.

(56) dä-(1) xärdä می‌خورده‌ای.

(57) mun-(1) äbärdä bā می‌برده بودیم.

(58) yä-(1) yi می‌خواهد.

(59) jay-mä-(1) kä(rd) جنگ می‌کردم.

(60) ä-r-dä-(1) gä-rä(t) برمی‌داشتم.

در (۵۹) پیش‌بست فاعلی mä- پس از جزء اسمی jay و در (۶۰) پیش‌بست فاعلی دوم

شخص مفرد -dä- پس از پیشوند -är- آمده‌است.

جایگاه پیش‌بست در ماضی استمراری در ساختار جمله نیز غالباً ثابت است (۶۱) اما پیش‌بست ماضی استمراری متعدی فعل مرکب یا پیشوندی (۶۲ و ۶۵) مجاز است به پی‌بست بدل شود (۶۳ و ۶۴) یا به یکی از اجزای جمله بپیوندند (۶۱).

- (61) šämä heze ow du(n)- (1)äbä(rd) شما دیروز آب می‌بردید.
 (62) ma nu(n) šäb mä- (1)kä(rd) من غذا درست می‌کردم.
 (63) ma nun-am (1) šäb äkä(rd) من غذا درست می‌کردم.
 (64) te ow-a(1) ārägärä(t) تو آب برمی‌داشتی.
 (65) te ow ār-dä-(1) gərä(t) تو آب برمی‌داشتی.

در (۶۱ و ۶۲) پیش‌بست در جای اصلی خود ظاهر شده و در (۶۳ و ۶۴) به پی‌بست شخصی -a و -am فاعلی بدل شده‌است.

در ابوزیدآبادی، از ماضی استمراری (متعدی) دو نمود دیگر نیز به کار می‌رود. یک نوع آن، که می‌توان آن را ماضی استمراری شرطی نامید، غالباً با حرف ربط «اگر» شرطی همراه است و فاعل آن پی‌بست شخصی است و بدین شکل ساخته می‌شود:

ماده ماضی + پی‌بست شخصی + kəmun = ماضی استمراری شرطی
 kəmun + a + šöš(t) = (اگر) می‌شستی

نمود دیگر، ماضی بعید استمراری شرطی است و به صورت زیر ساخته می‌شود:

مصدر مرخم از بودن + صفت مفعولی + پی‌بست شخصی + kəmun = ماضی بعید استمراری شرطی
 kəmun + e + xärdä + bā = (اگر) می‌خورده بود (خورده می‌بود)

در دو مثال یادشده، پی‌بست‌های دوم شخص مفرد (-a) و سوم شخص مفرد (-e) که در اینجا در جایگاه میان‌بست ظاهر شده‌اند، شخصی فاعلی‌اند.

۵-۳- مفعولی

پیش‌بست‌ها در ساخت مضارع اخباری و التزامی (تأکیدی)، غالباً نقش مفعولی دارند؛ (۶۶) و (۶۷) جایگاه پیش‌بست‌ها، در این نقش، چه در ساخت فعل (۶۶ و ۶۷) و چه در ساختار جمله بیابند معمولاً ثابت است و در جای اصلی خود ظاهر می‌شوند (۶۸ و ۶۹). جایگاه پیش‌بست‌های فعل مرکب و پیشوندی، در نقش مفعولی مانند فاعلی است (۷۰ و ۷۱).

- (66) mä-(2) sūjən-i(1) می‌سوزاندم.
 (67) bə-dä-(2) kuš-im(1) بکشیمت.

- (68) moy-mu(4) däs-e yä-(1) sūjənā مادرم^(۲۵) دستش را می‌سوزاند.
 (69) əga ī rā bi beg-i(1) bə-yä-(2) kuš-u(1) اگر یک بار دیگر بیاید، بکشمش.
 (70) hā-yun-(2) äcun-u(1) می‌نشانمشان.
 (71) xūrd (h)ā-yä-(2) kər-u(1) خردش می‌کنم.

در (۶۶) پیش‌بست اول شخص مفرد (mä-)، مفعول و قبل از مادهٔ مضارع sūjən آمده‌است. در این فعل پی‌بست سوم شخص مفرد -i (د) فاعلی است و در پایان فعل آمده‌است. در (۶۷) پی‌بست مفعولی دوم شخص مفرد -dä پس از پیشوند صرفی be- و قبل از مادهٔ مضارع kuš به صورت میان‌بست ظاهر شده‌است. فعل (۶۷) مضارع التزامی تأکیدی است و مفعول آن از طریق پیش‌بست نمودار می‌شود. در مضارع التزامی ساده، پی‌بست این وظیفه را انجام می‌دهد: b(e)-a-kuš-i (بکشدت). در (۶۸ و ۶۹) با اینکه فعل مضارع اخباری و التزامی در ساخت جمله به کار رفته‌اند، جایگاه پیش‌بست‌های مفعولی آن ثابت است. در (۷۰) پیش‌بست مفعولی پس از پیشوند آمده و در (۷۱) پیش‌بست مفعولی سوم شخص مفرد -yä پس از پیشوند hā- و جزء وصفی فعل مرکب ظاهر شده و پی‌بست‌های پایانی -im (۶۷)، -i (۶۶) -u فاعلی‌اند.

۵ - ۴ - متممی

پیش‌بست‌های متممی، جز در مضارع التزامی که مجازند به پی‌بست بدل شوند، در مضارع اخباری و التزامی تأکیدی دیده می‌شوند و جایگاه آنها بعد از حرف اضافه و قبل از مادهٔ مضارع است. این پیش‌بست‌ها غالباً با حرف اضافهٔ به‌ای (hey, pi) همراه است (۷۲ و ۷۳). حضور پی‌بست یا پیش‌بست معمولاً مربوط به فعل و حرف اضافهٔ مرتبط با آن است، به‌عنوان نمونه هیچ‌گاه متمم حرف اضافهٔ ازی (pi) نمی‌تواند پیش‌بست باشد (۷۶). حرف اضافهٔ به‌ای (pi) غالباً برای فعل‌های فروختن، بخشیدن، زدن (تنبیه کردن)، گفتن و ... به کار می‌رود، همان‌طور که حرف اضافهٔ ازی (pi) برای فعل‌های خریدن، برداشتن و ... (۷۶). هرگاه جمله دو مفعولی باشد پیش‌بست معمولاً به پی‌بست بدل می‌شود و به اولین مفعول (مستقیم) می‌پیوندد (۷۴ و ۷۷). نیز هرگاه فعل، منفی باشد پی‌بست، نقش متممی دارد (۷۵).

- (72) ma pi-dä-(3) əvāj-u(1) , ərūš-u(1) , əbāxš-u(1) , vis-u(1)

من (به تو) می‌گویم، می‌فروشم، می‌بخشم، می‌زنم.

- (73) māmā hey-mä-(3) əd-i(1) مادر به من می‌دهد.

- (74) māmā pül-am(3) hey-äd-i(1) مادر به من پول می‌دهد.

- (75) ma pi-ya(3) nā-vāj-u(1) من به تو نمی‌گویم.
 (76) nā merdā(1) pi-ya(3) ērīn-i(1) آن مرد از تو می‌خرد.
 (77) mōšī nāč(ā)-ād(3) piy-ārūš-u(1)/ mōšī nāčā pi-dā(3) rūš-u(1)

ماشین خوب به تو می‌فروشم.

در (۷۲) و نیز (۷۳) پیش‌بست *dā* و *mā* قبل از مادهٔ مضارع *vāj*، *rūš*، *bāxš* و *vis* و *d* ظاهر شده‌است (در این مثال‌ها *-ə* پیشوند صرفی است)^(۲۶). در (۷۴) *pi-ya*، مفعول مستقیم و هستهٔ پی‌بست متممی قرار گرفته‌است. در (۷۵) فعل منفی و پی‌بست متممی *-ya* به کار رفته‌است. در (۷۶) حرف اضافهٔ *ērīnī* از *ya* است و در نتیجه پی‌بست *-ya* نقش متممی دارد. در (۷۷) فعل در ساختار جمله به کار رفته و در نتیجه به جای پیش‌بست، پی‌بست *-d* (ت) نقش متممی دارد و وابستهٔ مفعول (*nāčā*) را میزبان خود کرده‌است. در حالی که اگر متمم در ساخت فعل به کار می‌رفت به صورت *pi-dā-ārūš* (به تو) می‌فروشم ظاهر می‌شد.

۷ - نتیجه‌گیری

بررسی دقیق دستگاه فعلی ابوزیدآبادی نشان می‌دهد که در آن چهار نوع ضمیر پی‌بستی به کار می‌رود. این ضمایر با شکل‌ها و جایگاه‌های متفاوت، عملکردهای مختلف نحوی دارند. گروه اول پی‌بست‌های شخصی‌اند که به جز نقش ملکیت، در فعل‌های ماضی متعدی کنندهٔ کارند و جایگاه آنها در ساخت فعل پس از پیشوند و قبل از مادهٔ ماضی است و در ساخت جمله می‌توانند گروه اسمی، گروه اضافه‌ای، حرف اضافه، مفعول مستقیم و غیرمستقیم، تکواژ امر و نفی، مادهٔ متعدی، ضمیر آزاد، قید، برخی کلمات پرسشی، جزء اسمی یا وصفی فعل مرکب لازم و متعدی و پیشوند را میزبان خود قرار دهند. در نتیجه پی‌بست‌های شخصی، به جز نقش ملکیت، چه در ساخت فعل بیابند و چه در سطح جمله شناور باشند، می‌توانند عملکردهای مختلف نحوی داشته باشند.

گروه دوم، همان پی‌بست‌های فاعلی (شناسه‌های فعلی) هستند که مانند برابره‌های خود در فارسی در پایان فعل قرار می‌گیرند. آنها فقط در برخی از نموده‌های فعلی مانند مضارع اخباری و التزامی متعدی و مستقبل لازم و متعدی و ماضی لازم، با ملاحظهٔ جنس دستوری در سوم شخص مفرد، دیده می‌شوند.

گروه سوم، پی‌بست‌های فاعلی (گروه دوم) هستند با این تفاوت که به‌جز نقش اصلی، در ساخت فعل‌های ماضی می‌توانند نقش مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم) داشته باشند. این پی‌بست‌ها که به ظاهر فاعلی‌اند ولی عملکرد مفعولی دارند پی‌بست فاعلی-مفعولی نامیده شده‌اند.

گروه چهارم، ضمایی هستند که برخلاف پی‌بست‌ها پیش از ماده فعلی می‌آیند. ضمائر پیش‌بستی، پیشوندگونه، در ماضی استمراری متعدی، با عملکرد نحوی فاعلی و در مضارع اخباری و التزامی متعدی (تأکیدی) عملکرد مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم) دارند. با توجه به بافت آوایی جمله، پیش‌بست‌ها مجازند به پی‌بست بدل شوند. صرف‌نظر از فرایندهای آوایی دیگر، ضمائر، به‌ویژه پی‌بست‌ها، نقش عمده‌ای در آشکار کردن واکه یا همخوان‌های محذوف واژه‌ها دارند که دچار فرایند حذف شده‌اند.

پی‌نوشت

۱. ابوزیدآباد در گویش این شهر و روستاهای اطراف di خوانده می‌شود که ظاهراً همان ده یا دیه فارسی است.
۲. در کودکی به زبان فارسی ziyu kōšī (زبان کاشی = کاشانی) می‌گفتیم ولی امروزه فارسی می‌گوییم.
۳. پی‌بست پایانی -yä- (مؤنث) همان است که در برخی از گویش‌های اطراف کاشان، مانند تتماجی، به شکل yässa یا ässa نشان داده می‌شود.
۴. در صورتی که پس از ضمیر آزاد ma (من)، پسوندی بیاید همخوان پایانی n آشکار می‌شود: man-a bədīd (مرا دیدی). همچنین واکه میانی a بر اثر فرایند آوایی همگونی به e بدل می‌شود: men-e bəšūd (مرا برد) (لکوک، ۱۳۵۳: ۲۲۲).
۵. در این مقاله، هر واکه یا همخوان اگر محذوف باشد به‌ویژه در گفتار، در () آمده‌است.
۶. ماضی ساده از «دانستن» کاربردی ندارد و به جای آن از ماضی استمراری استفاده می‌شود.
۷. به مجموعه پا و ساق و ... lay گویند. این واژه اگر میزبان پی‌بست شخصی مفرد باشد، شکل اصلی آن؛ lang ظاهر می‌شود، ولی اگر میزبان پی‌بست‌های جمع باشد همخوان‌های n و g به y بدل می‌شود: lay-mu (پایمان).
۸. اصل واژه کجا، kiya است اما با نمود پی‌بست و فرایند آوایی به kīv تغییر یافته‌است.
۹. «به باغ سگ انداختن» کنایه است و غالباً برای کنار گذاشتن چیزهای بی‌ارزش و گاه از روی مزاح یا خشم به هرچیز بالارزش و غیر آن گفته می‌شود.

۱۰. شانه کردن به دو شکل *šunā kārđā* و *xārā kārđā* به کار می‌رود. گونهٔ اخیر غالباً برای موهای بلند است.
۱۱. همخوان *d* که معمولاً پس از *kiyā* می‌آید صورت مخفف *dar* و حرف اضافه است. در ابوزیدآبادی متمم با حرف اضافهٔ پسایند بسامد بالایی دارد: *kiyā dar-ä* (کجاست؟).
۱۲. پی‌بست پایانی *-ä* در صفت «*näč*» نشانهٔ جنس مذکر کلنگ است. در ابوزیدآبادی به جز فعل صفت می‌تواند بیانگر جنس دستوری اسم باشد. نشانه‌های جنسیت واکهٔ پایانی *-ä* (مذکر) و *(-e)* است: *xärgūš espīd-e* (خرگوش مادهٔ سفید).
۱۳. در ابوزیدآبادی، اغلب فعل‌ها پیشوندی‌اند و بدون پیشوند غالباً بی‌معنی. از این‌رو، به نظر می‌رسد در این فعل نیز باید «*bevärd*» (آورد) را مادهٔ ماضی به شمار آورد، چنانکه در فارسی کنونی هم نمی‌توان «*vard*» را مادهٔ ماضی دانست.
۱۴. در ابوزیدآبادی فعل مضارع التزامی دو نمود دارد؛ یک نمود آن مانند فارسی است که در این مقاله بدان مضارع التزامی ساده می‌گوییم، مانند: *bə-šim* (برویم). نمود دیگر از نظر ساخت مانند نوع اول است جز اینکه واکهٔ پایانی *-e* از پیشوند صرفی *be-* به *-ä* بدل می‌شود و گویشوران هرگاه بخواهند تأکید عملی را اراده کنند از این نمود استفاده می‌کنند. به همین دلیل این نمود را تأکیدی می‌نامیم. نکتهٔ دیگر اینکه مضارع التزامی تأکیدی برخلاف نمود اول معمولاً متضمن معنی امر و فرمان نیست.
۱۵. در ابوزیدآبادی فعل «خواستن» کاربردی ندارد اما تعدادی از مشتقات آن به کار می‌رود: *mägā* (می‌خواستم، می‌خواهم). *mäyi* (خواستن) را می‌توان فعل دومصدری یا دوریشه‌ای دانست. شکل دیگر آن *kəmun* است که می‌توان آن را فعل معین دانست و معمولاً در فعل‌های آینده می‌آید و تنها کاربرد ندارد.
۱۶. در این گویش *šäb* در ساخت فعل مرکب معنای (درست ساختن) دارد و به تنهایی صفت نیست.
۱۷. *ärgərät* (گرفت) و *bəduwä* (داد)؛ هر دو در اینجا مصدر مرخم یا مادهٔ ماضی‌اند و از آنها شخص و شمار اراده نمی‌شود.
۱۸. اصل معنی *ärgərätä* برداشتن است، ولی در فعل مرکب یاد شده، مجازاً به معنی گرفتن است.
۱۹. برابر ابوزیدآبادی حرف زدن *dam bəduwä* (دم دادن) است.
۲۰. در این گویش «زدن»، به‌عنوان فعل ساده یا در نقش فعل معین، در فعل‌های مرکب، به شکل‌های مختلفی به کار می‌رود: *pivestä, bəbəqätä, bəžədə* و ... در مثال (۵۲) نیز *pikärđä* در همین معنی است.
۲۱. فعل *bekärđä* (کردن) هرگاه به‌عنوان فعل معین، در برخی از فعل‌های مرکب به کار رود، پیشوند خود را از دست می‌دهد و غالباً معنی آن نیز به «زدن» تغییر می‌یابد. *lös kār kārđä* (کتک

زدن)، vāj bākārdā (صدا زدن) و ... پی‌بست -ey- که در ابوزیدآبادی بسامد بالایی دارد و می‌تواند اغلب اسم‌ها و حتی فعل‌ها و به‌ویژه متمم حرف اضافه به‌ای یا ازی «pi» را میزبان قرار دهد، به معنای هم است (۵۳ و ۵۴).

۲۲. در ابوزیدآبادی، به جز استمراری، نمودهای دیگری از ماضی متعدی، مانند ماضی نقلی و بعید مستمر دیده می‌شود که قاعده کاربرد پیش‌بست در آنها مانند ماضی استمراری متعدی است: -dä- xärdä (می‌خورده‌ای)، mun-äbärdä bə dä (می‌برده بوده‌ایم) و ...

۲۳. لکوک اشخاص سه‌گانه مفرد پیش‌بست‌ها را با حذف واکه پایانی -ä- ثبت کرده‌است، ولی بررسی جایگاه پیش‌بست‌های مفرد در ساخت فعل یا پیوست آن به یکی از اجزای جمله را در ساخت‌های متعدد فعلی نشان داده‌است. البته شکل‌هایی که در جدول آمده ارجح است. گویا لکوک واکه آغازی پیشوند صرفی -e- یا واکه s اضافی، در برخی از فعل‌ها را که با -ä- همگون می‌شود در نظر نداشته‌است. مثلاً: mä šūni = mä-(ə)(=e)šūn-i (می‌بری‌ام). دلیل دیگری که با آن می‌توان به اشتباه وی پی برد این است که گاه پیش‌بست عملاً نقش پی‌بست را انجام می‌دهد مانند: -däs-dä əhəmār- (دستت را می‌شکنم). پی‌بست -a- و پیش‌بست -dä- (ت) مجازند جای خود را به یکدیگر بدهند. این جابه‌جایی در جملات با فعل مضارع التزامی متعدی امکان‌پذیر است.

۲۴. در ابوزیدآبادی مصدر «خواستن» معادل ندارد و برخی از ساخت‌های آن نیز به کار نمی‌رود. مثلاً به جای مضارع التزامی از ماضی التزامی استفاده می‌شود: ginam (خواستنه باشم، بخواهم).

۲۵. در ابوزیدآبادی اعضای خانواده مانند پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و ... غالباً میزبان پی‌بست‌های شخصی (ملکی) مفرد نمی‌شوند: dādā mū (خواهرم، خواهرمان).

۲۶. پیشوند تصریفی فعل مضارع به‌جز «-a-» بر اثر فرایندهای آوایی، ممکن است به صورت‌های -e-، -ä-، -a- نیز دیده شود.

منابع

- راسخ مهند، م. ۱۳۹۱. «واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی (آرانی و بیدگلی)»، *ویژنامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (۱): ۱۶۱-۱۷۲.
- رزاقی، ط. ۱۳۹۳. *فرهنگ امثال و کنایات و اصطلاحات در گویش ابوزیدآبادی*، تهران: منشور سمیر.
- _____ ۱۳۹۵. *دستور زبان گویش ابوزیدآبادی*، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد اصفهان.
- _____ ۱۳۹۶. *گنجینه گویش‌های ایرانی، استان اصفهان (۳)*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

سرافرازی، ن. ۱۳۹۱. توصیف فعل در زبان بینا/وایی، کاشان: شاسوسا.
 لکوک، ۱۳۵۳. «سخنرانی و بحث درباره زبان فارسی، گویش ابوزیدآباد»، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر به مناسبت جشن فرهنگ و هنر.

مزرعتی، ع. و مزرعتی، م. ۱۳۸۰. فرهنگ بینوی، تهران: بلخ.
 مزینانی، ا؛ زعفرانلو کامبوزیا، ع. و گلغام، ا. ۱۳۹۴. «بررسی واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزینانی»،
 ویژنامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۵): ۸۰-۱۰۱.

Yarshater, e. 1985. "Abūzaydābādī" Encyclopedia Iranica, vol 1, face .8. London: 401-402.

تقسیمات کشوری (www.protal2.moi.ir)

درگاه ملی آمار (www.amar.org.ir)

